

«فرهیختگان» از مجموعه ممیزی‌های جنجالی تلویزیون درطول سالیان اخیر گزارش می‌دهد

راست‌ودروغ‌های داستان ممیزی



سریال «۸۷ متر» به سه سوزه داغ مردم و رسانه‌ها تبدیل شده است. کیانوش عیاری که در این سال‌ها، آثارش با حواشی مختلف بدرقه شده‌اند، پس از سال‌ها، کار ساخت سریال «۸۷ متر را به پایان رساند؛ سریالی که از ابتدا «۸۸ متر» نام داشت، اما همین ممیزی‌ها، این نام را صلاح ندانست و عدد «۸۸» به «۸۷» تغییر یافت.

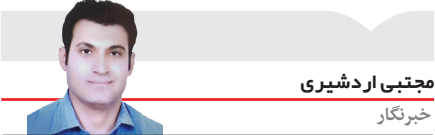
در ادامه و پس از تعیین تاریخ پخش این سریال، مشخص شد که ممیزی، کار دست کار جدید عیاری داده و پخش به تعویق

افتاده است. طولانی شدن مدت تعویق که هم‌اکنون حدود ۶ ماه از آن می‌گذرد، جای هیچ شکی را باقی نگذاشت که جنس و میزان ممیزی‌ها، به‌مانند آثار معمول نیست که ظرف چندروز اصلاح شود.

تااینکه کیانوش عیاری دریک گفت‌وگوی تصویری، ازممیزی‌های بسیاری گفت که به سریالش خورد. یکی از آن ممیزی‌ها، وجود گریه در سکانس‌های سریال است؛ گریه‌هایی که اگرچه طبق نظر عیاری، عادی و جزئی از فرهنگ زیست‌بوم ایرانی محسوب

می‌شوند، اما به‌نظر ممیزان تلویزیون، غیرعادی بوده‌باید حذف شوند؛ اختلاف‌نظری که عیاری درصدد است تا با دیدار رئیس سازمان صداوسیما، آن را برطرف کند.

رسانه ملی در واکنش به اظهارات عیاری و با تایید دستور حذف برخی صحنه‌ها، حضور عادی پرندگان و گریه را در سریال‌ها بلامانع دانست. در این بیانیه آمده است: «برخلاف ادعای آقای عیاری، سابقه پخش سریال‌های مختلف از تلویزیون حاکی از آن است که نشان دادن عادی برخی حیوانات مانند گریه و



مجتبی اردشیری

خبرنگار

مقوله ممیزی در تولیدات بصری، امر مرسوم‌ی در رسانه‌های جهان به‌شمار می‌رود. این مقوله بنابر سیاسنگذاری رسانه‌ها و ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی کشورها، شاخص‌های متفاوتی دارد. شاید در برخی کشورها، موضوع پروانه ساخت از اهمیت چندانی برخوردار نباشد، اما نظارت‌های پس از ساخت روی فیلم‌ها و سریال‌ها، امر مسلمی است که در تمامی کشورهای جهان به آن پرداخته شده و آن را جدی می‌گیرند. جریان‌سازی و هدایت در تولید هم‌متاثر از همین جنس نظارت‌هایی است که متوجه بعد از تولید یک اثر می‌شود.

گزاره «سانسور در هیچ کشوری مثل ایران نیست» ریشه‌ای تاریخی دارد و بیشتر نوعی خودزنی است که درنتیجه ناآگاهی افراد رخ داده و آن را نشانه‌ای بر نبود آزادی بیان عنوان می‌کنند. اما این اتفاق، در هر برهه از تاریخ کشورمان که سینما و تلویزیون وجود داشته، برقرار بوده و نمی‌توان شدت و ضعف آن را به دوره تاریخی خاصی محدود کرد. آنچه اما سبب پررنگ‌تر شدن این گزاره میان مردم می‌شود، حواشی بسیاری است که برخی از این ممیزی‌های عجیب ایجاد می‌کنند.

در تمامی این سال‌ها، سند یا نوشته‌ای پیدا نشده که مبنای ممیزی در فیلم‌ها و سریال‌ها چه موارد و مصادیقی است. خیلی جالب است که در میان کارمندانی که در تمام این سال‌ها به ممیزی مشغول بوده‌اندنیز کسی تاکنون مصاحبه‌ای انجام‌نداده تا خط قرمز و حساسیت‌های باریک‌تر از مویی که مخاطبان و هنرمندان متوجه آن نمی‌شوند را برای آنها تشریح کند.

به‌دلیل همین فضای مبهم و ناآگاهی که در تمامی این دهه‌ها وجود داشته، رسانه‌ای شدن برخی مفاد این ممیزی، ضمن برانگیختن کنجکاوی طیف گسترده‌ای از مردم، بی‌اعتمادی‌ها نسبت به تصمیم‌گیران نظارت در سینما و تلویزیون را بیشتر کرده است.

در همین راستا، طی چندروز گذشته، بحث‌روی ممیزی گریه‌های

تخریب گرایانی به نام گلدان و آب‌آزور

پای گلدان و آب‌آزور به مواد ممیزی، به ۶ سال پیش بازمی‌گردد؛ جایی که تلویزیون مجاب شد برای پخش سریال‌های خارجی، به‌جای حذف سکانس و ناقص کردن داستان فیلم، از ادواتی مانند آب‌آزور استفاده کند. البته که این مورد خیلی زود به‌چشم مخاطبان ملی آمدو آنها اعتراض‌های خود را در قالب جوک در فضای مجازی آغاز کردند. واکنش تلویزیون به این حجم از اعتراض‌ها، ارتقای آب‌آزور به گلدان بود. به این ترتیب که با کنار زدن آب‌آزور، از گلدان برای ممیزی و پوشش موقت استفاده کرد؛ اتفاقی که بارها در مجموعه تولیدات رسانه ملی به چشم آمد. محبوبیت محو کردن به‌وسیله گلدان به اندازهای به کام ممیزان خوش آمد که از این وسایل بعد‌ها برای ممیزی تولیدات شبکه نمایش خانگی و تولیدات پلتفرم‌های اینترنتی نیز استفاده شد.

ممیزی‌های انتخاباتی

یکی از کاربردهای بصری ممیزی، در زمان انتخابات است. شاید پررنگ‌ترین ممیزی خنده‌دار مربوط به این حوزه، مصاحبه یک نماینده مجلس در برنامه «هرچی شما بگین» شبکه اول سیما با اجرای مهران رجبی باشد. در این مصاحبه، چهره نماینده حاضر در این برنامه، توسط آب‌آزور محو شد و حتی صدای او را هم تغییر دادند! آن‌طور که در این برنامه ریزنویس شد، چهره و صدای نماینده دعوت‌شده به‌دلیل «احتمال تبلیغات برای نماینده موردنظر در انتخابات مجلس» محو شد. این ممیزی عجیب در شرایطی رخ داد که در همان شب، از پخش‌های خبری صداوسیما، تصویر یکی از کاندیدا‌های انتخابات خیرگان پخش شد. چنین مصادیقی، سلیقه‌ای بودن مقوله‌ممیزی را بیش از هر زمان دیگری به اثبات می‌رساند.

ممیزی به حجم گوش باز یگر زن از زیر روسری

امیرمهدی ژوله در قالب خاطره‌ای مربوط به سریال «شب‌های بروه» می‌گوید: «یکی از موارد اشکال پخش‌هایی که به دست ما رسید، این بود که چرا حجم گوش شقایق دهقان از زیر روسری معلومه!»

ممیزی لوگوی رسمی آ.اس.رم

بیشتر از سه‌ده سال ونیم پیش، ممیزان ایرانی شاهکار دیگری از خود به ثبت رساندند و طی آن، لوگوی رسمی و قدیمی باشگاه آ.اس.رم را سانسور کردند. در این لوگو، یک گرگ ماده مشغول شیر دادن به دو توله خود است که ممیزان ایران، سینه‌های گرگ ماده را

مات کردند. این ممیزی، فارغ از تمام ابعاد داخلی، سروصدای بسیار در رسانه‌های جهان به راه انداخت و حتی واکنش متعجبانه این باشگاه را در پی داشت که در حساب توییتری خود بدان پرداخت. در این زمینه، به این مورد پرداخته شد که در پخش زنده، ناظر پخش تا حدودی مختار است که هر صحنه و سکانسی که صلاح بداند را ممیزی کند. نبود دستورالعمل مشخص سبب می‌شود بحث سلیقه به این موارد ورود کرده و متأسفانه چنین واکنش‌های منفی نسبت به ایران در سطح مجامع جهانی به راه بیفتد. البته فارغ از ممیزی‌های گسترده برنامه‌های زنده ورزشی خارجی، برنامه‌های تولیدی ورزشی هم بی‌نصبی از سانسور به روش‌های مختلف نیستند. مثلاً در یکی از این موارد، حین رقابت‌های اسکی، تصویر اسکی‌بازان مرد از یکی از شبکه‌های سیما به صورت زنگی و تصویر اسکی‌بازان زن، به‌صورت سیاه‌وسفید پخش شد!

«بهاره رهنما» نباید بخندد

خیلی عجیب است که خنده برخی بازیگران هم جزء موارد ممیزی به حساب می‌آید. بهاره رهنما چند سال پیش که به‌عنوان میهمان در یک شبکه اینترنتی حضور داشت، نسبت به توقیف آن قسمت واکنش نشان داد و در صفحه اجتماعی خود نوشت: «در تمام آن ۲۵ سال، مرتباً نمای خندیدن من سانسور شد و تذکر دادند طوری بخند که ندانان‌هایت معلوم نباشند، ولی من فقط بلدم واقعی بخندم.»

محجبه کردن مجسمه

حدود یک‌ماه پیش، برنامه‌ای روی آنتن شبکه ایران کالافرت که با واکنش‌های بسیاری مواجه شد. در یک سکانس از برنامه‌ای، دوربین یک خانم و آقا را نشان می‌دهد که با فاصله، روبه‌روی یکدیگر نشسته و مشغول صحبت هستند. بین این دو، مجسمه‌ای ایستاده وجود دارد که در کمال تعجب، شالی بلند روی سر و نیم‌تنه او انداخته‌اند تا تصویر و هیکل او نمایان نباشد. این اتفاق با واکنش جالب و گسترده مخاطبان شبکه‌های مجازی مواجه شد. این شبکه در اردیبهشت‌امسال هم به‌دلیل محو کردن دست پوشیده یک زن، موجی از واکنش‌ها را به خود دید و همچنان هم توضیحی درباره این اقدام عجیبش ارائه نکرده است.

حذف قیمت مسکن در سال‌های گذشته

حدود دوسال پیش، چند ممیزی عجیب درطول یک هفته، اعتراض‌های بسیاری

را به‌همراه داشت. نخستین ممیزی عجیب، مربوط به اعلام قیمت خانه در دهه ۶۰ بوده است. در یک سکانس سریال «پدرسالار»، وقتی زوج جوان به امید یافتن خانه‌ای ارزان، به بنگاه می‌روند و جوایای قیمت‌های می‌شوند، صدای پیرمرد املاکی، درست در لحظه اعلام قیمت خانه، قطع می‌شود. این ممیزی، بازتاب‌های گسترده‌ای در جامعه داشت، به‌خصوص وقتی که زمان زیادی از دو سانسور عجیب حذف سکانس بوسه تختی بر تصویر «محمد مصدق» در پخش تلویزیونی فیلم «غلامرضا تختی» نگذشته بود.

هاله انداختن جلوی موی بازیگران زن

این مورد ممیزی، جدید و مربوط به چند سال اخیر است. طبق بررسی خبرنگار «فرهیختگان»، هاله انداختن جلوی موی سر بازیگران، یا سریال «عاشقانه» آغاز شد که طی آن برای نخستن بار، مخاطبان شاهد یک حجم رنگی، در دستگاه موی سر مهناز افشار شدند. این هاله که متناسب با رنگ شال بازیگران تغییر می‌کرد، از آن زمان، به‌عنوان پای ثابت تمامی ممیزی‌های مربوط به موی خانم‌ها شد و به‌عنوان آلت‌رناتیو گلدان، هم‌اکنون دیگر کاملاً برای مخاطبان جا افتاده است. حداقل این ممیزی عجیب و خنده‌دار سبب نمی‌شود تا تصاویر آن بازیگر خانم از آن قسمت از سریال بیرون کشیده شود! البته که این نوع هاله انداختن، اشکال مدرنی هم دارد. مثلاً در سریال «خاتون» که در پلتفرم اینترنتی پخش می‌شود، در یکی از سکانس‌ها که بخش کمی از پاهای انگار جواهریان، مشخص بود، ممیزان به‌وسیله گیاه گرافیکی آن را پوشش دادند تا نشان دهند از علم دنیا در این زمینه عقب نیستند.

سانسور بیرون آمدن گاومیش‌ها از آب

مصطفی کبابی سه‌سال پیش به دعوت امیرمهدی ژوله، خاطره‌ای از سانسور دوران کاری‌اش را تعریف کرد. او گفت: «حدود سال ۸۲، یک مستند برای تلویزیون کار کردم که در یک پلان آن قرار بود گاومیش‌ها از تالاب شادگان اهواز بیرون بیایند. دوربین‌ها را از دوزایوه کاشتیم و خروج گاومیش‌ها را از پشت جلوه، اسلوموشن گرفتیم. با اتمام کار، قرار بر پخش شد اما یک بره‌گاه اصلاحیه به من دادند که اولین مورد ممیزی، درآوردن پلان خروج گاومیش‌ها از آب، آن‌هم از زاویه پشت بود. دلیل را پرسیدم، گفتند خروج گاومیش از آب، آن‌هم از پشت، تحریک‌کننده است. البته از این دست خاطرات جذاب، خیلی زیاد برای من و همکارانم وجود دارد.»

حذف تمام نماهای نزدیک

چندی پیش و در جریان برنامه «پیشگو» یکی دیگر از ممیزی‌های عجیب به تصویر کشیده شد. در یکی از قسمت‌ها، الناز حبیبی میهمان برنامه بود و طی آن، تمام‌نماهای نزدیک برنامه حذف و دوربین از فاصله دور، طوری که میهمان قابل شناسایی نباشد، آن را ضبط کرد. این ممیزی درحالی عجیب‌تر به‌نظر می‌رسد که حتی اجازه آوردن نام میهمان هم داده نشد و نام الناز حبیبی هم سانسور شد. این اتفاق با واکنش‌های متفاوتی مواجه شد و حتی امین تارخ که عموماً هنرمند بی‌حاشیه‌ای است، طی یادداشتی، ضمن اعتراض به این ممیزی گفت: «کاش لااقل نام میهمان را از ریزنویس می‌گرفتید تا مخاطب متوجه شود این صحبت‌ها متعلق به چه کسی است.»

تلویزیون، رئیس خودش را هم سانسور کرد

یک سال پیش بود که فردی با عنوان میهمان در برنامه شبکه چهارم، صحبت‌هایی را راجع به رئیس‌جمهور وقت مطرح کرد که این صحبت‌ها، تحت عنوان توهین به رئیس‌جمهور تلقی و موجی از حواشی را در جامعه ایجاد کرد. ۴ روز پس از این اتفاق و با بالا گرفتن اعتراض‌های گروه‌های عمدتاً سیاسی، رئیس‌وقت سازمان صداوسیما، از بابت پخش چنین مصاحبه‌ای، از مردم و رئیس‌جمهور عذرخواهی کرد، اما در اتفاقی عجیب، این عذرخواهی جز در بخش خبری ۲۱ تلویزیون، در هیچ‌یک از بخش‌های خبری دیگر انعکاس نیافت و در همان یک بخش خبری هم به‌عنوان بیست‌وسومین خبر، در ۲۷ ثانیه خوانده شد.

موارد عجیب تبلیغات

مواردی از ممیزی در فضای رسانه‌ها مطرح شده که گویا این رویه فقط متوجه فیلم و سریال نیست و دامن تبلیغات بازرگانی را هم می‌گیرد. طبق خبری که پیش‌تر منتشر شده بود، نشان دادن «چای ریختن مرد برای زن»، «هر نوع نوشیدنی قرمز»، «نوشابه»، «دستکش چرم برای زنان»، «مرغ بریان»، «خوردن ساندویچ و پیتزرا»، «پوشیدن لباس آستین کوتاه» و «دو پسر تنها در منزل» ممنوع است که تاکنون موارد مشابه اینچنینی به چشم نخورده است. البته این جنس اظهارات در مورد شیوه‌های ممیزی هیچ‌گاه ازسوی رسانه ملی تکذیب نشده است.

داستان. نویسنده برای نوشتن تمامی داستان‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده زبان محاوره و برای داستانی در زمان حال، زبان معیار را انتخاب کرده است. این انتخاب می‌تواند فضا را نوستالژیک کند. داستان «لیلا» که پایان بخش مجموعه است از همه جهات متفاوت نگاشته شده است.

ناجورها را نشر آتیما در سال ۱۴۰۰ به چاپ رسانده است. به نظر می‌رسد از این قلم، باید منتظر داستان‌های بیشتری در آینده نزدیک بود.

